

ریجیسٹریشن ایران متحد سویڈ

طبقہ کارگر

پیشگام مبارزه بر ضد دیکتاتوری است

ارگان شورای تجدید مرکزی آنکارا،
کارکن اورجمندان ایران با تقدیر ایشون سپاهان

کوکار گردیده بیکار کرده است. سران
نهاده ای که این مضمون را از های ایرانی
پردازی کردند، ممکن است این مضمون را
از این طبقه ندانند. این مضمون را
نمی‌توان با توجه به اینکه در آن داده است
که این اتفاق در عدهانی می‌گذرد،
که این اتفاق را می‌گذرد، یعنی کاری که کار
کشانی و دوز اخون نویلیات داشتند،
از دیدهای اخون و اخونات و تخلیق اخونات و
بررسی اخونی اخونی مازرم کشیده کاری و اخونان
باید بعده بوجود آورده، دولت های
مردمه بجهت این اخونی اخونی، جزئیه
کشانند، از دیده اخون و اخونی کاری، کاری
کشانند، عدم توانان بروجها ملکت و
خواستاری خواست بین در آمد و هزینه، شناس
و غصه ای از این سران است.

دو سویست کتوانی، بازم خوشی
لله ساک برای تجذیب یک دوران
نسل انسانی که میتواند آغاز کرد و این
آغاز و پس از آن میتواند از این در واسع این
برای توجهی فراز برخوبی رفته باشد که در آن
کوچ و ملن سوا برپایان را که در آن
مکاره های میتوانند خانی امور را وادون
د و بیده ازجهه را فرضی و یکسانی را
آن بردازد، وضع اقتصادیات ایران
که این نهضات ایجاد کرده اند طبق ساک
توانی و ناسالم است، بهینه دادن
ترکیب خود را بایس اسلامی ایرانیکا و
کشوری شدن از جهاد اقتصادیات کثیر را
نمیتواند، که راهه ایارا مصلحت کنندگان

میر شاهی را
خاندہ اند

بر طبق شریعه کسی در روز نامه ها
مشترکه مدار و زیارت هار فتنه
۱۳۲۹/۳/۱۷ داد گذشت نظامی شاهی برپایت سرعت
روست شاهی دو پیش شهر باشی و فرماندهی
سطور مستکون کردن پسران بنی ایلخان
که تاد مر که با سر بریده اوان استهاد
نیکار گردید و از پای در بیانده تشکیل
گردید

بیکاری کار گران شیر از

هر ارائه پر بر ایوہ زحمتکشان بیکار افراده گشت

تو جس سارو
حرابی که اکون سر
سارا فراگهه و مل ابراهیم
ستی و ما سوی محمد
بیست اضداد دوک با
مالی که از طرف ایشان
داده شد و باشکست همچنان
است. بازار های تکرو ما
اسراری کلا ملای ایرانی
سر نامه بازار عده های بین سا
های امریکان است در همه
کنکه سالیان دراز از خود
با همراهی و زاد و شاهه مادر اداره
ن شهاده دیرای چه بدل
بینی کرد، آنها امرداد
کفشه خار و
دو زاده دند با احتیل کارخانه
در کرد، پیکاران و آوارگان
سر کناده و سنتکنان هیا ز

گشته بخون است که هر زمان
دلیر آنرا بزم دفاع از منافع
خویش بر کرسی ایام شاهزاده
سی از کشان و شاهه کفر کران
شاهی، سامورین دلخیم ارشت بشدوی
سریزیده، گروه رستکنان شاهی را
سباه چالا امکنه و بست بزان و
مزدهن و گوده کن کهر کر که نیست بیست
سماک که ایشان کشمکش شدند و شهاده
ندان شده و کیت ورز بدمه.

جذب نہ وند

طرفداران صلح

توبہ میں یاد

موقتیست یکنای ادامه دارد.
جهه پیوسته ملح، جهه پیکار
کشکان برندگان، آنها باز از اینها
و ایشان وسیع شدند که آنها اگر کران
و سرمه کردند، اینها را بخواهند.
با اینکه اینها را بخواهند، همچنان
با این مطلع، سیاره در راه صلح وارد
شدند و میتوانند سیاره راه مطلع در
سرمهان را بخواهند و سیارهای
آنها را بخواهند. اینها را بخواهند
و با اینکه اینها را بخواهند، همچنان
با این مطلع، سیاره راه مطلع همیشه میتوانند
با این مطلع، سیاره راه مطلع وارد
شوند و میتوانند سیاره راه مطلع در
سرمهان را بخواهند و سیارهای
آنها را بخواهند. اینها را بخواهند
و با اینکه اینها را بخواهند، همچنان
با این مطلع، سیاره راه مطلع همیشه میتوانند
با این مطلع، سیاره راه مطلع وارد
شوند و میتوانند سیاره راه مطلع در
سرمهان را بخواهند و سیارهای
آنها را بخواهند. اینها را بخواهند
و با اینکه اینها را بخواهند، همچنان

میتوشد. میباشد، استوار نیستند. نا
در تاریخ، اینشان باید وست و
ت دیدندند است. همان کهون بیش
از ۱۰۰۰ سال است در ایران چشم بینند در
کوهستانهای ایران بودند. هنوز هم
سی پیکری از آنها کهیه کهیه دارند را
بر خدمت سلاح اسرائیل ایضاً کردند.
آنها در شام کهون طلاق
آنها هم میباشد در شام کهون طلاق

من باشد، استواری میگوید... نا
بر تاریخ، اینچنان باید وست و
باید دست داشت. همان کسانی میشون
که میتوانند از این مردم چنین چنین در
کوچکترین لذت را بر سر مغلوب و خود
میگذارند. یعنی کیهانی را
بر خشم سلاح اسی ایشان کردند
از آنها امداد در تمام کشور طلب شد.

میزد و هر چهل کسره بیشتر از
زمینکنای ای پوچیکاران ای زمودنگیکردن
سرمایه داران گردیدن روکشانی مدارم
کارگران، ساسنگ کار کنها - اخوبیها -
دلارها - لرمه شده مدارم مواد ایستار
خدیده (زمینکنای) خیلی ای ای چهین سل
خود ناین آیه کردند ای ایروز ای ای
تحکیم هر چه بیشتر فلت جارت اعتصاب
ازدای پر کردن بیکه خود از خوشی
لوگلار را بیکه - وای در خوش است
نمطی و میزکنای هامی را با گلوله
پاشیکه بینه کامی با اخراج دسته میس
کارگران هزار خودرا بست بوزن کی
بیلیکه هر ای ای ای ای ای ای ای
لرمه ای ای ای ای ای ای ای ای
که ای ای ای ای ای ای ای ای ای

نهی می شد و نهی کنندگان هم باید
نایابی کالی آزادی را بسیار بخواهی
و فرمادار جزو «نقش» در دادگاه
فرمود که داریه در مسیر پیکه هر گزینش
قیمتی باشد و فرمادار ملاحت قدره
نهی پذیرند.
رسالی میتست ملک امیران بدین
ردید است که ایمپریکر «ناؤن فنکی
برادرانی تبار».

کارگران و زحمتکشان ایران نان، آزادی، استقلال و صلح

سخراهند

(استرداد از تامین میکنند اما همان)

سکاری گار کران شر از

و رساجات کو اپنے میانے کی صورت
واپس کر دکھ آپا را بدیگران نسل
میکنے جلوہ کیکھ مل کر گران سے
بھالیاں ملے اصف غلابیات است۔

دوك تا کون کون برداز دستکنان فرس
چھپا کر دوک جای ایکس
سرماجوان کر دوک ایاص و بیظاد خود
آشنا کنک و افلانوں کوں دنسی کی با
کوکش سالیا رسٹ کارکار گران پھروس
و رساجا جرا پاچدی میان داں کر کھانے
ما را موڑ ساوت خود فروز مدھم د
جز ایعنی موڑ و طبیعی ای خواری پیشانہ
کوکا آخاں ساچان سیام و میران
هر کنک ملی ساحی قریب منی هست
کہ هر کنک خیر کر دھمات ای برداوت
دھنار این رن کیا روس کی ایکس
اگر طبل ادھنی آکاچان رساجا داران
هر کنک خصو داده رس اپنے ترو هائی
میکنک از کنخا بست آئی است
خلوریکه رو زیبہ سارو غرس شری مدھم
کھر ساچہ برق دھن کیو داری ۶ دیان
از منظر گلکنڈوں مت بارو وہ وہو
دو دیباں آشکارا کر دیکھ جائی
سبب است کہ باز مرد ای ای دھرمن
خواری کم کرنا شر ازهم اکتوں از منی
ساخت و خاتا تو اگذاہ۔

لیکن دوك و سرما دواران فر
و ندیتہ وہ جید خلارت و چناؤ ملت
ساختہ۔

آگزو کہ سایکلان بر کرسی
اپنے احتمانہ شو دستکنان شد از
بیر کمک خلر تکریم و دشن مود و
خواهد دندان۔ وھنکه کارک شر از دیک
و عالی ازمه ای سجن و حسی دی کر
مر کے تبارکہ سارو جست جسی دی کر
تھر تھریک شو ای تھسیر کری بیانہ۔

دیا اپنری بند پیارا جاڑے ورو دھمات
خارجی دا نیصدہ۔

میکن از اسات ملکت از رفقات
کلا ماں امریکاں بر کار نیصدہ۔

خاطعاً ساست و دورو لیاں کیه بکر
نهض، کلارا بیور دست کی از ایضا
نماده، کلارا خانکل ملی در ای دست
با ایسے شار من مسحوریه نطبیل میکر دند
و دو لام این بڑیاں بھیض و سارو زی
پیشتری سبز دستکنان دیکھ کر دند
رسا بادیا کہ کھر کنک ای دھن تطبیل
مشتود، رسما بیورا فروز و بکری
بکار و ایده از دند و سود بیرون دلی تطبیل
کار رانے پاچان و دند کر کی دن سیکن
فارس، تطبیل کلار خاص باری ایل کردن
ترسال، افالم مر کنک است، و دند بیز
ترسال، کارک کری کہ جزویوں رس ای دند
ای ندارد، کلار خوش آن بیز ماری بیانہ
و گریسک و فر و سارو زی و دن کنکا
بیان میکنے

دھنچا دھنچا طیل کے سطح کنک دا جان
ملی ما از روپیه بیز و مہریں و ظاف
دوات دھنچا رس ای دند و دن دلی ای
سورد ای تطبیل میکنکه و دن کر کی
و ای باخا دھنچا بیان دھن ای سو میکنک
چھنی پیش نامه رس اکنداہ ای لار مارف
کار کر کنک ای دھنچا ساری رسی دند ای
سترن فلمھوسمو، کار کر کن این دوک رانے
در صوف دو خواری میکنکه که دند مطر
کر کن ای دھنچا کھر کردن بیش ای سچر ای
خواری ای دند کمک میکاردہ دستکنان
دھن دلی ای دند کمک میکاردہ دستکنان
اکتر خون دو دند ۳۴۲ ریال است و مز
کام بیچنی دند دند کر کن دند دند
خود فارس سیم مدار است که طرف
شر کے بیون ایلہ و ایلکھنون رامنے

جذب، نم ونم

امثله از ما ، جل از شما !
 استشمار ابر بالاتری که چکمه
 است با سلطان و کنه آن ابر به همان
 ول مشهی همان شهر به میان
 که مشهی از این امور نموده اند آنها من شنک
 را میانه و سواره و سپس طے توی و
 پیش که امیر بالاتری از این در زام
 کشورهای همان تقدیم کرد و سعی در مبارز
 پیاپ که دادی کشکره طرفداران
 مطلع اشتغال کردند و سلطنت خود را بر
 خدشانه علیه چکمه اینها چهار پسر ایام
 چه بود که امیر بالاتری اینها که داروس
 آن قدر قدر نداشتند بلکه کردند
 کفر کران و حستگان اینها نیز
 موضعه دوش بیرون کفر کران و دست
 کلمن اسیر گذشتند که کفر کران خود را
 خود را آشیدند و خود را چکمه کردند و
 خدمتمندان پایان دادند که اینها کردند
 دلار از ما ، خوب از شما !

زحمتکشان دلیر شاهی ..

این است پاسخ هست حاکم به شاخه ای
منطقی که در گران ایران.
و مفاسدی کار کر که در پر هنگفت و دهن
فرار گرفته اید باز هم سکنی و سرمه
دور نهادن و داد گاه خصم خود را هم اساز
سازد.

ا. ادۀ شما قویز از آن است
که سر نیزه ها قادر بخیر آن
باشد.

فردا که زندانها گشوده می
شود خالقین بمعین و ملت پای
میز محاکمه فراخوانده میشوند
و پرسای اعمال نایاب اله خوش
میرسند.

درود بی پایان هه مانان
دلارو شاهی که در زندان اسرا
هیبر لند.

دیازنده، محاکوم کنند.
دولت با این نتیجت شد هم کرکی
بهرامه و می درود کار گران مبارز
خانمی بوجود آورد لیکن رستگان
خانمی ازتهبید و شکنجه و چکاچه سر.
پیوهای هر اس نهادند.

سامورین در عرض و غرفت انتکار از شی
بداند که ورزشگان شامی نایاب جان
از سالمان خوش دفع میکنند و نیک
تلیم را برخود مهارو نیکته
داد که اقطاری خامن خود مسحه ای از
مارار طبلات رستگان باید کار مبارز
بسا که کشیش کار گران کسرت و
خانمی از شه و بیکار نهاده بارزوی لک کرد.
نوزی هیبت حاکم با تولد مرد همین
ما است.

هیبت حاکم، شکم گرمه و سرت
کشان و اسلسل مرسند و رعایانها را
از گرمه یکاران و گرسکان که بداعی
از سالمان خوش کمر بسته اند مسلوب از اراده

طقة کارگر

کوش هوخواهان دیگناتوری
متن آنست که در مضمون تهدید و هشتم
نه صدام اخلاق خداوند سازه و منکل است
را بدلخواه امیرالاپیم الکساندر
کشت.
کهر کراوز دیگناتوری میکوشت
با استفاده از اسلامی که خود منجه آند
شرایط را برای خود پذیری کنند و میگردند
کشکار گردن شاهزاد و ترسیکی که
میکوشید احصاب کوئینان دو لسترا براه
املاخ بستانه، کوش جاملاً بسته و
سرمهای دارو
سرمهای دارو

سرخن وشیانه در مرای خاتمه مای
 شد آنها وسادتی ازین تبلیغ برای
 همین مصروف سوت بکشد.
 باین طبق کارگزاران دیگناتوری
 و مال اپرالیسم ایگناتیون برای ایجاد
 یک دیگناتوری سیاه کوش دامادواری
 آغاز کردند.
 طبله هرگز در قبال این تبتلات رفته
 خشمی بر سهنه خود فربت اسلی
 دیگناتوری سوچ طبله هرگز کارت است
 و همین جهت طبله هرگز کارت نیست
 دیگناتوری ایگناتیون همین مبارزه
 ریستکنن و آختن نایبری را با پایه کلاردن
 تخلیق و آختن نایبری را با پایه کلاردن
 دیگناتوری ادامه میدهد هرچه کمبلات
 ساک بازخین مردم خود می بگناتوری
 و ملهمه دارد برای این اتفاق طبله کار کر
 موجم آزاده اند. مانند هی این
 که گران را در کوه های آمریکا می سوزانند
 یار سازی این زمانیه جلو آیهارا گرفت
 طبله هرگز کار کر پیش از ریستکنن و
 وظیه خانه